زندگانی و مقام علمی امام باقر علیه السلام



حضرت محمد باقر علیه السلام در سال ۵۷ هجری در «مدینه» چشم به جهان گشود. نامش محمد و کنیه اش ابوجعفر است و بسیاری از القاب وی اشاره به مقام علمی و معنوی ایشان دارد. این القاب عبارت اند از:

۱. باقر، یعنی شکافنده علوم. در علت نامگذاری به آن می خوانیم: «لِاَنَّهُ بَقَرَ الْعِلْمَ وَعَرَفَ اَصْلَهُ وَاسْتَنْبَطَ فَرْعَهُ وَ تَوَسَّعَ فیهِ وَ التَّبَقُّرُ التَّوَسُّعُ؛ [حضرت باقر علیه السلام] به لقب باقر یاد شده است؛ چون علم را شکافت و پایه علم را شناخت و فرع آن را استنباط کرد و در آن توسعه داد و تَبَقّر [به معنای] توسعه دادن است.»

درباره معنای باقر احتمال دیگری نیز ذکر شده و آن اینکه «لِکَثْرَهِ سُجُودِهِ فَقَدْ بَقَّرَ جَبْهَتَهُ اَیْ فَتَحَها وَوَسَعَها؛ به او باقر گفته شده، برای زیادی سجده هایش و باز شدن و توسعه پیشانی اش.»

۲. الشبیه، چون شبیه جدّش رسول خدا صلی ا علیه و آله بود.

۳. الامین؛ ۴. هادی؛ ۵. صابر؛ ۶. شاهد. معنای هر یک از القاب مذکوره روشن است.

پدر آن حضرت، علی بن الحسین علیهماالسلام و مادر گرامی اش، «ام عبداللّه ، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد و از این جهت او اولین فردی است که هم از نظر پدر و هم از طرف مادر، فاطمی و علوی بوده است؛ لذا درباره آن حضرت گفته اند: «عَلَوِیٌّ مِنْ عَلَوِیَّیْنِ وَ فاطِمِیٌّ مِنْ فاطِمِیَّیْنِ وَ هاشِمِیٌّ مِنْ هاشِمِیَّیْنِ.»

خلفای معاصر حضرت عبارت اند از: ۱. ولید بن عبدالملک (۸۶ ـ ۹۶)؛ ۲. سلیمان بن عبدالملک (۹۶ ـ ۹۹)؛ ۳. عمربن عبدالعزیر (۹۹ ـ ۱۰۱)؛ ۴. یزید بن عبدالملک (۱۰۱ ـ ۱۰۵)؛ ۵. هشام بن عبدالملک (۱۰۵ ـ ۱۲۵).

مقام علمی حضرت از دیدگاه دیگران

مقام علمی حضرت باقر علیه السلام آن قدر عظیم و بلند مرتبه است که خیلی از مخالفان او نیز به این امر اعتراف و اقرار دارند و دانشمندان فراوانی نیز به این امر اعتراف کرده اند که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. ابن حجر هیثمی می گوید: «محمد باقر علیه السلام به اندازه ای گنجهای پنهان معارف و دانشها را آشکار ساخته، حقایق و حکمتها و لطایف دانشها را بیان کرده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همین جا است که وی را شکافنده و جامع علوم و برافرازنده پرچم دانش خوانده اند.»

۲. ابرش کلبی به هشام با اشاره به امام باقر علیه السلام گفت: «اِنَّ هَذا اَعْلَمُ اَهْلِ الاَرْضِ بِما فِی السَّماءِ وَالاَرْضِ فَهَذا وَلَدُ رَسُولُ اللّه ِ صلی ا علیه و آله ؛ به راستی این مرد (محمد باقر علیه السلام) داناترین مرد روی زمین است نسبت به آنچه در آسمانها و زمین می باشد. این فرزند رسول خدا صلی ا علیه و آله است.»

۳. عبداللّه بن عطاء مکی می گوید: «من هرگز دانشمندان [اسلامی] را نزد هیچ کس به اندازه مجلس محمد بن علی علیهماالسلام ، [از نظر علمی] حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را که در علم و فقه

مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت امام باقر علیه السلام مانند کودکی در برابر استادش [زانوی ادب بر زمین زده، شیفته او گردیده] بود.»

و خود حکم بن عتیبه درباره قول خداوند که می فرماید: «اِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمینَ» می گوید: «وَاللّه ِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ مِنْهُمْ؛ به خدا سوگند! محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) جزء آنهاست.»

۴. هشام بن عبدالملک با آنکه از دشمنان سرسخت حضرت بود، خطاب به آن حضرت گفت: «لا تَزالُ الْعَرَبُ وَ الْعَجَمُ یَسُودُها قُرَیْشٌ مادامَ فیهِمْ مِثْلُکَ؛ تا زمانی که مثل تو [در علم و مقام] وجود داشته باشد، قریش بر عرب و عجم آقایی می کند.»

۵. قتاده بن دعامه بصری، یکی از علمای عامه، خطاب به آن حضرت چنین گفت: «من در محضر فقها و در محضر ابن عباس زیاد نشسته ام؛ ولی هیچ جا قلبم مضطرب نشد، جز زمانی که در محضر شما نشستم.»

۶. شمس الدین محمد بن طولون می گوید: ابو جعفر محمد بن زین العابدین …، ملقب به باقر علیه السلام … عالم و آقا و بزرگوار بود. او را باقر نامیده اند، چون در علم توسعه ایجاد کرد.»

۷. محمد بن طلحه شافعی می گوید: «او باقر العلم و شکافنده علوم است و جامع و نشر دهنده و بلند کننده پرچم آن است.»

۸. ابن ابی الحدید می گوید: «کانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ … سَیِّدُ فُقَهاءِ الْحِجازِ وَ مِنْ اِبْنِهِ جَعْفَرٍ تَعَلَّمَ النّاسُ الْفِقْهَ؛ محمد بن علی علیهماالسلام آقای فقهای حجاز بود، و از او و فرزندش، مردم علم فقه را آموختند.»

۹. احمد بن یوسف دمشقی می گوید: «منبع فضائل و افتخارات، امام محمد بن علی باقر علیه السلام است. او را باقر نامیده اند، چون علم را می شکافد و گفته شده این لقب از کلام رسول خدا صلی ا علیه و آله گرفته شده که جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله فرمود: در آینده، فرزندی از فرزندان حسنم را می بینی که همنام من است و علم را می شکافد، شکافتنی. هر گاه او را دیدی، سلام مرا به او برسان!»

۱۰. ابن خلکان می گوید: ابو جعفر محمد بن علی… یکی از امامان دوازده گانه است و «کانَ الْباقِرُ عالِما سَیِّدا کَبیرا؛ امام باقر علیه السلام دانشمند و سرور و بزرگوار بوده است.»

شکافنده علوم

لقب باقر و شکافنده علوم توسط پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله به حضرت باقر علیه السلام داده شده است. این مطلب در روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی نقل شده است؛ در منابع شیعه در کتابهایی مانند: بحار الانوار، رجال کشی، کشف الغمه، امالی صدوق، امالی شیخ طوسی، اختصاص مفید، عیون الاخبار. و در منابع اهل سنت در کتابهای: مرآه الزمان فی تواریخ الاعیان (ج ۵، ص ۷۸)، تاریخ ابن عساکر، غایه الاختصار (ص ۶۴)، تذکره الخواص ابن جوزی (ص ۳۳۷).

جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: روزی پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله به من فرمود: «بعد از من شخصی از خاندان مرا خواهی دید که همنام من و شبیه من است «وَیبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْراً؛ علم را می شکافد، شکافتنی [و او درهای دانش را به روی مردم خواهد گشود].»

پیامبر اسلام صلی ا علیه و آله زمانی این پیشگویی را کرد که هنوز حضرت باقر علیه السلام چشم به جهان نگشوده بود. سالها گذشت تا دوران امامت حضرت سجاد علیه السلام فرا رسید. روزی جابر از کوچه های مدینه می گذشت، چشمش به حضرت باقر علیه السلام افتاد. دید درست قیافه و شمایل پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله را دارد. پرسید: اسم تو چیست؟ گفت: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام . آن گاه جابر بر پیشانی او بوسه زد و گفت: پدر و مادرم فدایت باد! پدرت، رسول خدا صلی ا علیه و آله به تو سلام رسانده است. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «وَعَلی رَسُولِ اللّه ِ السَّلامُ؛ و سلام بر رسول خدا صلی ا علیه و آله باد!»

از این تاریخ به بعد، جابر هر روز، دو نوبت به دیدار او می شتافت و مرتب به او می گفت: یا باقر! یا باقر! برخی نادانان می گفتند: جابر هزیان می گوید؛ ولی او می گفت: به خدا قسم!هزیان نمی گویم. این چیزی است که پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله به من خبر داده است.

در نتیجه، می توان گفت بین مورخین از مسلّمات است که لقب باقر و شکافنده علوم توسط پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله به آن حضرت داده شده است.

پایه گذاری نهضت علمی

از مهم ترین امتیازات امام باقر علیه السلام که زمان، زمینه آن را فراهم کرد، این است که حضرت بنیانگذار انقلاب فرهنگی و نهضت علمی شیعه و بلکه اسلام شمرده می شود. هر چند معارف اسلامی و تشیع به دست فرزندش امام صادق علیه السلام انتشار و توسعه یافت و به اوج خود رسید؛ ولی پایه گذاری و تأسیس آن با دست با کفایت امام باقر علیه السلام بود.

در دوران امام باقر علیه السلام دولت بنی امیه رو به زوال بود و مردم نیز به شدت از آنها تنفر پیدا کرده بودند و وجود فردی همچون عمر بن عبدالعزیز (که خدمت بزرگی به علم و تشیع نمود و ضربه کاری را به پیکر بنی امیه وارد کرد) و اختلاف شدیدی که در مملکت اسلامی به وجود آمده بود و در هر گوشه و کناری انقلابی به وقوع پیوسته بود و خلفا به سرعت تغییر می کردند ـ به گونه ای که در نوزده سال امامت حضرت باقر علیه السلام پنج خلیفه روی کار آمدند: ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبد الملک، هشام بن عبدالملک ـ عواملی بود که زمینه و فرصت مناسبی برای نهضت علمی آن حضرت فراهم ساخت.

همچنان که می دانیم تا زمان عمر بن عبدالعزیز نقل حدیث ممنوع بود و این سنّت سیّئه توسط خلفای قبلی بنیانگذاری شده بود که بر اساس آن، گنجینه های علمی به یاد مانده از پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله سوزانده شد و یا زیر خاک از بین رفت و یا در سینه های راویان باقی ماند و نقل آنها به عنوان آرزویی به گور برده شد و ضرر و زیانهای جبران ناپذیری بر پیکر احادیث اسلامی وارد آمد و از آن زمان بود که کم کم بازار جعل و تحریف احادیث نیز گرم شد.

این وضع تا اواخر قرن اول هجری ادامه یافت؛ یعنی تا زمان به خلافت رسیدن عمربن عبدالعزیز (۹۹ ـ ۱۰۱). وی با یک اقدام خردمندانه این بدعت شوم را برداشت و مردم را به نقل و تدوین حدیث تشویق کرد و طی بخشنامه ای چنین نوشت: «اُنْظُرُوا حَدیثَ رَسُولِ اللّه ِ فَاکْتُبُوهُ فَاِنّی خِفْتُ دُرُوسَ الْعِلْمِ وَذِهابَ اَهْلِهِ؛ احادیث رسول خدا صلی ا علیه و آله را مورد توجه قرار داده [و جمع آوری کرده]، بنویسید؛ زیرا بیم آن دارم که دانشمندان و اهل حدیث از دنیا بروند و علم مندرس [و چراغ آن خاموش] گردد.»

امام باقر علیه السلام از این فرصت پیش آمده، به احسن وجه بهره و استفاده برده، شاگردان فراوان تربیت کرد و علوم بی شماری را به آنها تعلیم داد که در بخشهای بعدی به آنها اشاره می شود. در

اینجا به یک مسئله تاریخی اشاره می کنیم:

بنیانگذاران علوم اسلامی

با ممنوعیت نقل و تدوین حدیث توسط خلفا و ادامه آن تا زمان عمربن عبدالعزیز، این بحث مطرح می شود که اولین کسی که کتاب حدیثی و فقهی نوشت، چه کسی بود؟

در این بخش، اهل سنت (با اینکه خلفای آنان نقل و تدوین حدیث را ممنوع کرده بودند) تلاش دارند که خود را جلودار حدیث و فقه جلوه دهند. جلال الدین سیوطی که اصرار دارد پایه گذاران علوم اسلامی را جمعی از اهل تسنن معرفی کند، می گوید: «نخستین کسی که در فقه کتاب نوشت، ابوحنیفه بود.»

و برخی از خودیها نیز نوشته اند که: «نخستین کسی که به امر عمر بن عبدالعزیز احادیث را جمع کرد، محمد بن مسلم بن شهاب زهری بود.»

فعلاً به این نکته کاری نداریم که امثال زهری روایات تحریف شده را جمع آوری نموده و از روایاتی که به نحوی به نفع اهل بیت علیهم السلام و شیعه بوده، خود داری کرده است؛ اما این نکته را می خواهیم روشن کنیم که پایه گذار تمام علوم، امامان شیعه و شیعیان بوده اند؛ هر چند دستگاه استبداد حاکم مانع از انتشار و مطرح شدن آن گشته است. شواهد فراوانی نیز بر این ادعا وجود دارد:

الف. اعترافات ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید با صراحت می گوید که تمام علوم ریشه اش به امیرمؤمنان علیه السلام بر می گردد؛ برای اینکه در علم کلام، بزرگ معتزله واصل بن عطاء است که شاگرد ابی هاشم عبدالله بن محمد حنفیه بوده و ابوهاشم شاگرد پدرش، و پدرش (محمد حنفیه) شاگر پدرش علی علیه السلام بوده است. اما اشعریها، در علم کلام منتسب به ابی الحسن علی بن [اسماعیل بن] ابی بشرالاشعری هستند و او شاگرد ابوعلی جبائی است و ابوعلی خود یکی از بزرگان معتزله است. پس اشعریها سرانجام به معتزله می رسند و چنان که گفته شد، معتزله نیز معلم معلمشان علی بن ابی طالب علیهماالسلام است.

امامیه و زیدیه نیز در کلام هر چه دارند، از علی علیه السلام دارند. اما در علم فقه، تمام فقهای عالم اسلام (مذاهب اربعه) عیال و جیره خوار علی علیه السلام هستند؛ چرا که شاگردان ابوحنیفه همچون

ابی یوسف و محمد، فقه را از او گرفته اند و شافعی نیز شاگرد محمد بن حسن بوده و فقهش به ابوحنیفه بر می گردد و اما احمد حنبل که شاگرد شافعی است، او هم به ابوحنیفه بر می گردد و ابوحنیفه شاگرد جعفر بن محمد علیهماالسلام است و جعفر (امام صادق علیه السلام) از پدرش محمد (امام باقر علیه السلام) علوم را فرا گرفته و سرانجام امر به علی علیه السلام ختم می شود. اما مالک شاگرد ربیعه الرأی و او شاگرد عِکرَمه، شاگرد عبدا بن عباس و او نیز شاگرد علی علیه السلام بوده و می توان از طریق شافعی او را شاگرد علی علیه السلام تلقی کرد.

و اما فقه شیعه که برگشت به علی علیه السلام دارد، روشن است و علوم صحابه از عمر و عبد ا بن عباس… همه به علی علیه السلام بر می گردد.

علم تفسیر نیز مستقیماً از او و یا شاگردش عبدا بن عباس گرفته شده است.

و علوم طریقت [و عرفان] نیز به او ختم می شود؛ چرا که ارباب این فن در تمام بلاد اسلامی خود را به او منتسب می دانند و به این مسئله، شبلی، جنید بغدادی، سری مقطی، ابو یزید بسطامی، ابو محفوظ معروف کرخی، و… اعتراف کرده اند.

علم نحو و ادبیات را همه می دانند که از ابداعات حضرت امیر علیه السلام است. ابی الاسود دُوئلی از آن حضرت، اصولش را آموخت و ما اضافه کنیم که خلیل بن احمد، پایه گذار علم «عروض»، معاذ بن مسلم بن ابی ساره کوفی، پایه گذار علم «صرف» و ابو عبداللّه محمد بن عمران کاتب خراسانی (مرزبانی) یکی از پیشتازان علم بلاغت، از شیعیان و سرانجام از شاگردان علی علیه السلام هستند.

ب. تدوین علوم

در بخش تدوین حدیث و علوم نیز شیعیان پیش قدم اند؛ چرا که اولین کسی که احادیث رسول خدا صلی ا علیه و آله را جمع آوری کرد، امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. پیامبر اسلام صلی ا علیه و آله احادیثی را املا کرد و علی علیه السلام آنها را نوشت و به صورت یک کتاب تدوین شده در آورد که تمام حلال و حرام و احکام و سنن در آن جمع شده بود و از آن به نام «صحیفه الجامعه» یاد می شود و کتاب دیگری به نام «صحیفه و کتاب الفرائض» دارد که بخاری از آن حدیث نقل کرده و صدوق و شیخ طوسی و کلینی آن را در کتابهای خویش آورده اند.

و همین طور ابورافع کتابی دارد به نام «السنن و الاحکام و القضایا» و سلمان فارسی کتابی دارد به نام «حدیث الجاثلیق رومی» و ابوذر کتابی دارد به نام «خطبه» و همین طور عبداللّه بن عباس کتابی در ثبت قضاوتهای امیرمؤمنان علیه السلام و کتابی در تفسیر دارد.

و ابو رافع قبطی کتابی به نام «السنن و الاحکام و القضایا» و واضح بن نباته نویسنده عهد نامه مالک اشتر و وصیّت علی علیه السلام به محمد پسرش می باشد. ربیعه بن سمیع کتابی در زکات حیوانات و عبیداللّه بن ابی رافع مدنی، کتابی در «قضایای امیرالمؤمنین علیه السلام » دارد و همین طور میثم تمار و زید بن وهب و سلیم بن قیس کتابهایی داشته اند و در زمان امام سجاد علیه السلام نیز کتاب «صحیفه سجادیه» و رساله حقوق و کتابهایی توسط جابر بن یزید، زیاد بن منذر و… تدوین شده است.

آیا با این وضع، می توان ابوحنیفه را که در سال ۱۰۰ هجری متولد شده (یعنی شش سال بعد از شهادت امام سجاد علیه السلام) و ۴۳ سال بعد از ولادت امام باقر علیه السلام (در سال ۱۵۰) از دنیا رفته است، بنیانگذار فقه دانست، با اینکه تمامی کتبی را که نام بردیم، قبل از به دنیا آمدن ابوحنیفه تدوین شده است؟

جهاد علمی امام باقر علیه السلام

برگردیم به بحث اصلی خویش که حضرت باقر علیه السلام از فرصت پیش آمده بیشترین بهره را برد و جهاد علمی خویش را آغاز کرد. جهاد علمی حضرت در سه بخش قابل تبیین است:

الف. تشویق به فراگیری علوم

پایه و اساس هر عمل و فعالیت و کاری، اندیشه سازی و سالم سازی فکر است. اگر بخواهد در جامعه، علم رواج پیدا کند، در گام اول باید درباره اهمیت فراگیری دانش، ارزش و عظمت علما، مراد از فراگیری علم، و آفات آن و… اندیشه سازی شود.

حضرت باقر علیه السلام این گام اول را به خوبی با بیان احادیث برداشته و سخنان گهر بار و نورانی فراوانی در این زمینه بیان کرده است.

در مورد تشویق به فراگیری علم فرمود: «اَلْکَمالُ کُلُّ الْکَمالِ التَّفَقُّهُ فِی الدّینِ وَ

الصَّبْرُ عَلَى النّائِبَهِ وَ تَقْديرُ الْمَعيشَهِ؛ کمال تمام کمال [در سه چیز]: فهمیدن دین، بردباری بر سختیها و اندازه گیری معیشت است.»

آن حضرت درباره روش فراگیری علوم از پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله نقل فرمود: «اَلْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مِفْتاحُهَا السُّؤالُ فَاسْئَلُوا يَرْحَمُكُمُ اللّه ُ فَاِنَّهُ يُؤْجَرُ فيهِ اَرْبَعَهٌ السّائِلُ وَ الْمُعَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَالْمُجيبُ لَهُمْ؛ علم گنجینه هایی است و کلید آن پرسش است. پس سؤال کنید! خدا شما را مورد رحمتش قرار دهد؛ زیرا پرسش باعث می شود چهار کس اجر برد: پرسشگر، معلم، شنونده و کسی که جواب می دهد.»

و در مورد جایگاه با ارزش علما و دانشمندان فرمود: «عالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ اَفْضَلُ مِنْ اَلْفِ عابِدٍ؛ عالمی که از علمش بهره برده شود، برتر از هزار عابد است.»

و فرمود: «وَاللّه ِ لَمَوْتُ عالِمٍ اَحَبُّ اِلى اِبْليسَ مِنْ مَوْتِ سَبْعينَ عابِداً؛ به خدا سوگند! مرگ یک عالم در نزد شیطان، محبوب تر از مرگ هفتاد عابد است.»

و درباره شرایط فراگیری علم و اخلاص و دنیاگریزی عالم فرمود: «اِنَّ الْفَقيهَ حَقَّ الْفَقيهِ الزّاهِدُ فِى الدُّنْيا الرّاغِبُ فِى الْآخِرَهِ الْمُتَمَسِّكُ بِسُنَّهِ النَّبِيِّ؛ فقیه حقیقی، فقیهی است که زاهد [و گریزان از] دنیا باشد و مشتاق آخرت، و پیرو سنت نبی صلی ا علیه و آله .»

و نیز فرمود: «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُباهِيَ بِهِ الْعُلَماءَ اَوْ يُمارِيَ بِهِ السُّفَهاءَ اَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النّاسِ اِلَيْهِ فَلْيَتَبَوَّءْ مَقْعَدُهُ مِنَ النّارِ، اِنَّ الرِّئاسَهَ لا تَصْلُحُ اِلاّ لاَِهْلِها؛ کسی که علم را برای مباهات و بالیدن نزد علما یا مجادله نزد سفها و یا [راهیابی در دل مردم و] جلب توجه مردم به سوی او، فراگیرد، پس نشیمنگاه خود را آتش قرار دهد. به راستی ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.»

و درباره احتیاط و توقف در شبهات فرمود: «اَلْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَهِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحامِ فِى الْهَلَكَهِ وَ تَرْكُكَ حَديثاً لَمْ تُرْوِهِ خَيْرٌ مِنْ رِوايَتِكَ حَدِيثاً لَمْ تُحْصَهُ؛ توقف در نزد شبهه بهتر از فرو رفتن در هلاکت است. رها کردن حدیثی که روایت آن برایت ثابت نیست [و از همه جهت روشن نیست]، بهتر است از آنکه حدیثی را که بر آن احاطه

نداری، روایت کنی.»

و فرمود: «ما عَلِمْتُمْ فَقُولُوا، وَمالَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا: اللّه ُ اَعْلَمُ اِنَّ الرَّجُلَ لَیَنْتَزِعُ الآْیَهَ الْقُرْآنَ یَخِرُّ فیها اَبْعَدَ ما بَیْنَ السَّماءِ وَالاَْرْضِ؛ آنچه می دانید، بگویید و درباره آنچه نمی دانید، بگویید: خدا اعلم است. به راستی مرد آیه ای از قرآن را بیرون می کشد [و به دلخواه معنی می کند و بر اثر آن]، به فاصله دورتر از میان آسمان و زمین [سرنگون می گردد و یا] از معنای حقیقی دور می افتد.»

اینها هر کدام شاه کلیدی است برای راهنمایی علما که چگونه در نقل روایات و علوم دقت داشته باشند.

آن حضرت درباره لزوم احتیاط کامل فرمود: «حَقُّ اللّه ِ عَلَی الْعِبادِ اَنْ یَقُولُوا ما یَعْلَمُونَ وَیَقِفُوا عِنْدَ ما لا یَعْلَمُونَ؛ حق خدا بر بندگان [عالم] آن است که هر چه می دانند، بگویند و در آنچه نمی دانند، دست نگه دارند.»

ب. نشر علوم

از نکاتی که حضرت باقر علیه السلام در مرحله اندیشه سازی بدان توجه داشته، توجه به نشر علوم و توسعه آن است. فقط فراگیری علوم کافی نیست؛ باید در راه نشر آن نیز سعی کرد. در این زمینه، حضرت سخنان نغز و دلکشی دارد که فقط به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. «مَنْ عَلَّمَ بابَ هُدیً فَلَهُ اَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَلا یَنْقُصُ اُولئِکَ مِنْ اُجُورِهِمْ شَیْئاً؛ کسی که باب هدایتی را تعلیم دهد، مانند اجر کسی را دارد که به آن عمل کرده است و از پاداش عمل کنندگان کاسته نمی شود.»

۲. در جای دیگر فرمود: «تَذاکُرُ الْعِلْمِ دِراسَهٌ وَالدِّراسَهُ صَلاهٌ حَسَنَهٌ؛ مذاکره علمی، درس [و تعلیم] است و درس، نمازی است نیکو (پذیرفته شده).»

۳. و فرمود: «زَکاهُ الْعِلْمِ اَنْ تُعَلِّمَهُ عِبادَ اللّه ِ؛ زکات علم آن است که آن را به بندگان خدا تعلیم دهی.»

۴. و فرمود: «رَحِمَ اللّهُ عَبْداً اَحْیا الْعِلْمَ… اَنْ یُذاکِرَ بِهِ اَهْلَ الدّینِ وَ اَهْلَ الْوَرَعِ؛ خدا رحمت کند بنده ای را که علم را زنده کند… و زنده کردن علم به این است که با اهل دین و افراد با ورع مذاکره کنی.»

به راستی هر یک از نکات پیش گفته، درهای زیادی را بر روی انسان در فراگیری علم و ارائه آن باز می کند. حال اساسی ترین پرسش رخ می نماید و آن اینکه حالا که متوجه شدیم علم پاداش فراوان و عالم منزلت والایی دارد، علم را از چه کسانی باید بگیریم؟ و برای فراگیری علوم اسلامی درِ خانه چه کسانی برویم؟ و زانوی ادب در خدمت چه کسانی بزنیم؟ در این بخش نیز امام باقر علیه السلام اندیشه سازی و راهنمایی هایی دارد.

اولاً، علوم قرآن را تماماً مختص به اهل بیت علیهم السلام می داند و می فرماید: «لَیْسَ عِنْدَ اَحَدٍ مِنَ النّاسِ حَقٌّ وَلا صَوابٌ وَلا اَحَدٌ مِنَ النّاسِ یَقْضی بِقَضاءِ حَقٍّ اِلاّ ما خَرَجَ مِنّا اَهْلَ الْبَیْتِ؛ در نزد هیچ کسی از مردم حق وجود ندارد، و [سخن] صواب و راست پیدا نمی شود و هیچ کسی از مردم به حق قضاوت نمی کند، مگر از ما اهل بیت باشد.»

و در جای دیگر فرمود: «ما یَسْتَطیعُ اَحَدٌ اَنْ یَدَّعِیَ اَنَّ عِنْدَهُ جَمیعُ الْقُرْآنِ کُلِّهِ ظاهِرِهِ وَ باطِنِهِ غَیْرُ الْاَوْصِیاءِ؛ هیچ کس توان ندارد ادعا کند که جمیع [علوم] قرآن، ظاهر و باطنش در نزد اوست، جز اوصیاء [پیامبر و امامان معصوم علیه السلام].»

و آن گاه صریحاً فرمود که اصل قرآن در نزد اهل بیت علیهم السلام است: «اِنَّ الْعِلْمَ الَّذی نَزَلَ مَعَ آدَمَ علیه السلام لَمْ یُرْفَعْ، وَالْعِلْمُ یُتَوارَثُ وَ کانَ عَلِیٌّ علیه السلام عالِمَ هذِهِ الْاُمَّهِ وَ اِنَّهُ لَمْ یُهْلَکْ مِنّا عالِمٌ قَطُّ اِلّا خَلَفَهُ مِنْ اَهْلِهِ مِنْ مِثْلِ عِلْمِهِ اَوْ ما شاءَ اللّهُ؛ به راستی علمی که با آدم علیه السلام نازل شد، برنگشته [و از بین نرفته]، بلکه به ارث گذاشته می شود و [آن علوم به علی علیه السلام رسیده اند و] علی علیه السلام عالم این امّت است و به راستی عالمی از ما از دنیا نمی رود، مگر اینکه کسی جانشین او می شود که مثل علم او را دارد و یا آنچه که خداوند بخواهد.»

متأسفانه در جامعه اسلامی این اندیشه صحیح جا نیفتاد و الاّ مردم درِ خانه علی علیه السلام را رها نمی کردند تا جای دیگر روند و امام صادق علیه السلام را ترک نمی گفتند تا به دنبال امثال ابوحنیفه بروند.

امام باقر علیه السلام در کنار این اندیشه سازی، مذاهب منحرفی همچون: غلات و مرجئه و… را به شدت مورد انتقاد قرار داد و آنان را به مردم معرفی کرد که جای تفصیل آن فرصت دیگری می طلبد.

ج. تدوین کتب

حضرت در کنار فرهنگ سازی به تدوین کتب پرداخته اند که مواردی ذیلاً ذکر می شود:

۱. تفسیر القرآن، چنان که محمد بن اسحاق بن ندیم در «الفهرست» به آن تصریح نموده، می گوید: «تفسیر القرآن، کتاب محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام است که ابی الجارود زیاد بن منذر رئیس جارودیّه از آن حضرت نقل کرده است» و سید حسن صدر می گوید: «جمعی از ثقات شیعه همچون ابو بصیر، یحیی بن القاسم الاسدی نیز نقل نموده اند و علی بن ابراهیم بن هاشم قمی در تفسیر خود آن را از طریق ابی بصیر نقل کرده است.»

۲. نسخه احادیث؛ ۳. صحیفه احادیث؛ ۴. الرساله الی سعد الاسکاف؛ ۵. کتابی که زراره روایت کرده؛ و کتابی دیگر که عبدالمؤمن بن القاسم آن را نقل کرده است.

د. تربیت شاگردان

از مهم ترین انواع جهاد علمی حضرت باقر علیه السلام ، تأسیس دانشگاه علوم اسلامی و تربیت شاگردان فراوان در عرصه های مختلف است. تعداد شاگردان آن حضرت را ۴۶۵ نفر شمرده اند. هنگام صدور دستور عمر بن عبدالعزیز مبنی بر جمع آوری و تدوین حدیث، هر کدام از یاران و شاگردان برجسته حضرت باقر علیه السلام ، هزاران حدیث را حفظ داشتند و با فرصت پیش آمده، به تدوین و جمع آوری احادیث نیز پرداختند که به چند نمونه اشاره می شود:

۱. «محمد بن مسلم» از شاگردان برجسته حضرت باقر علیه السلام در فقه و حدیث است. او اهل کوفه بود و طی چهار سال اقامت در شهر مدینه پیوسته به محضر امام باقر علیه السلام و بعد از او خدمت فرزندش حضرت صادق علیه السلام شرفیاب می شد و از محضر آن دو امام همام بهره می برد و خود گفته است: «هر موضوعی که به نظرم می رسید، از امام باقر علیه السلام می پرسیدم و جواب می شنیدم؛ به طوری که سی هزار حدیث از امام پنجم و شانزده هزار حدیث از امام ششم فرا گرفتم.»

علاوه بر حفظ حدیث، محمد بن مسلم کتابی دارد به نام «اربعمأه مسئله» (چهار صد مسئله) که مجموع پاسخهایی که درباره چهار صد پرسش از امامین همامین علیهماالسلام گرفته است، در آن گرد آورده است.

۲. «جابر بن یزید جعفی». او نیز اهل کوفه بود که برای استفاده از محضر حضرت باقر علیه السلام به مدینه هجرت کرد و بهره های فراوان برد و اندوخته های خود را در قالب کتابهای ذیل به جامعه اسلامی و بشری عرضه کرد:

۱. کتاب تفسیر؛ ۲. کتاب نوادر؛ ۳. کتاب جَمَلْ؛ ۴. کتاب صفین؛ ۵. کتاب نهروان؛ ۶. کتاب مَقْتل امیرالمؤمنین علیه السلام ؛ ۷. کتاب مقتل الحسین علیه السلام .

۳. برد الاسکاف که شاگرد حضرت سجاد و باقر و صادق علیهم السلام بوده است و کتابی دارد.

۴. ثابت بن ابی صفیه، معروف به ابوحمزه ثمالی اَزَدی، متوفای ۹۵۰ که کتابی در تفسیر و امثال آن دارد.

۵. بسام بن عبداللّه صیرفی که دارای کتاب است.

۶. حجر بن زائده حضرمی که از محضر امام باقر و صادق علیهماالسلام بهره برده و دارای کتاب است.

۷. عبدالمؤمن بن قاسم بن قیس انصاری متوفای ۱۴۷ که کتابی دارد.

۸. ابان بن تَغلب بن رباح، معروف به ابوسعید البکری الجریری، متوفای ۱۴۱ ق که کتابی دارد به نام فضائل.

۹. زراره بن اعین.

و از دیگر شاگردان آن حضرت که دارای کتاب بوده اند: سلام بن ابی عمره الخراسانی، مسعده بن صدقه، مسمع بن عبدالملک، نضر بن مزاحم المنقری، عمرو بن ابی المقدام، ظریف بن ناصح، محمد بن الحسن بن ابی ساره، معاذ بن مسلم الهراء الانصاری، وهب بن عبد ربه، کرد بن مسمع، ابی بصیر، ابی عبیده، سلیمان بن داود منقری، هیثم بن مسروق، عمرو بن خالد، حجاج بن دینار، اسحاق قمی و… .

و چنان که اشاره شد، مجموع شاگردان آن حضرت ۴۶۵ نفر بوده اند که نام بردن از همه آنها از حوصله یک مقاله خارج است.

ه . مناظرات حضرت باقر علیه السلام

نوع دیگر از جهاد علمی امامان ما، از جمله باقر العلوم علیه السلام مناظراتی است که با افراد مختلف از مذاهب گوناگون داشته اند و مجموع این مناظرات را مرحوم طبرسی در احتجاج گرد آورده است. به نمونه ای از آنها اشاره می شود:

ابوبصیر نقل کرده که حضرت باقر علیه السلام به همراه فرزندش امام صادق علیه السلام هنگام خارج شدن از قصر هشام در مقابل قصر با جمعیتی انبوه روبه رو می شوند. وقتی از وضع آنها می پرسد، می گویند: اینها کشیشان و راهبان مسیحی هستند که در مجمع بزرگ سالیانه خود منتظر آمدن اسقف اعظم هستند تا مشکلات علمی آنان را حل کند.

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: همراه فرزندم به صورت ناشناس در آن مجمع شرکت کردم. طولی نکشید اسقف اعظم وارد شد، در حالی که خیلی سال خورده و پیر شده بود. با شکوه و احترام در صدر مجلس نشست. نگاهی به جمعیت انداخت و سیمای باقر العلوم علیه السلام او را جذب کرد. گفت: از ما مسیحیان هستی یا از امت مرحومه [و از مسلمانان] هستی؟ فرمود: از امت مرحومه [و از مسلمانان] هستم. گفت: از دانشمندان آنانی یا افراد نادان؟

فرمود: از افراد نادان آنها نیستم. گفت: اول من سؤال کنم یا شما؟ فرمود: اگر مایلید، شما سؤال کنید.

گفت: شما به چه دلیلی ادعا می کنید که اهل بهشت غذا می خورند و می آشامند، ولی مدفوعی ندارند؟ آیا دلیل و برهانی و نمونه ای برای آن دارید؟ فرمود: بلی، نمونه آن جنین در رحم مادر است که غذا می خورد و می نوشد، ولی مدفوعی ندارد. گفت: [عجب] شما گفتی از دانشمندان نیستی!

فرمود: گفتم از نادانها نیستم [و نگفتم از دانشمندان نیستم]. گفت: خبر بده مرا از لحظه ای که نه از شب است و نه از روز. حضرت فرمود: ساعتی از از مهم ترین امتیازات امام باقر علیه السلام که زمان، زمینه آن را فراهم کرد، این است که حضرت بنیانگذار انقلاب فرهنگی و نهضت علمی شیعه و بلکه

اسلام شمرده می شود. هر چند معارف اسلامی و تشیع به دست فرزندش امام صادق علیه السلام انتشار و توسعه یافت و به اوج خود رسید؛ ولی پایه گذاری و تأسیس آن با دست با کفایت امام باقر علیه السلام بود.

طلوع شمس که نه از شب است و نه از روز و در آن لحظه، بیماران شفا می گیرند. کشیش با عصبانیت گفت: مگر نگفتنی از دانشمندان نیستم!

فرمود: من فقط گفتم از جهال آنان نیستم. گفت: به خدا! پرسش می کنم که در جواب آن در بمانی.

فرمود: هر چه داری، بپرس! گفت: خبر بده از دو مردی که با هم متولد شدند و با هم از دنیا رفتند. یکی پنجاه سال و دیگری ۱۵۰ سال داشت. فرمود: عزیز و عزیر (یا عزیر و غرره)… .

گفت: به چه دلیل عقیده دارید که نعمتهای بهشتی بر اثر مصرف کم نمی شود؟ نمونه ای برای آن دارید؟

فرمود: بلی، نمونه روشن آن آتش است که اگر صد چراغ را با آن روشن کنیم، آتش اول به حال خود باقی است… .

بعد از همه سؤالات، با عصبانیت و ناراحتی فریاد کشید: «مردم! دانشمند والامقامی را آورده اید تا مرا رسوا سازید! به خدا سوگند! تا دوازده ماه مرا در میان خود نمی بینید و این را گفت و از مجلس بیرون رفت.

منبع: حوزه نیوز